

کوردستان

ارگان حزب دمکرات کوردستان ایران

تأمین حقوق ملی خلق کره در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

شماره ۷۴ چهارشنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۹، ۲۰ می ۲۰۲۰

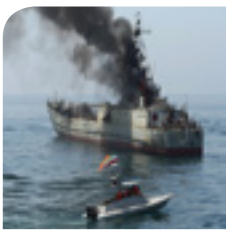
«پیام مسئول اجرایی حزب دمکرات خطاب به عموم مردم کوردستان»

«استقبال حزب دمکرات از ممنوعیت فعالیت حزب الله در آلمان»

«فشار نهادهای امنیتی رژیم برخانواده‌های پیشمرگان کوردستان»

«رژیم عزم خود را برای نابودی محیط‌زیست کوردستان جزم کرده‌است»

www.kurdistanmedia.com



خطایی انسانی

۷



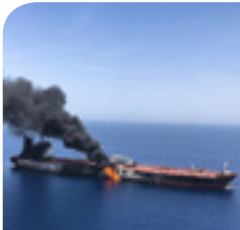
سیاست‌های
کلان و شکست‌خورده ...

۶



کارنامه کرونایی
نظام مقدس

۵



آیا
ایران توانایی مدیریت ...

۴

سال ۹۹ سال سرنوشت‌ساز

سخن

مسئله خاک

کریم پرویزی

در این خاورمیانه پر انفجار و زمین‌های تنیده شده از مین، ده‌ها گونه مین ضد نفر و ضد اجتماع و ضد طبیعت توسط خودکامگان و استعمارگران تعبیه شده‌اند که اگر با دقت گام برندارید، هر لحظه احتمال انفجار یک مین در زیر پای شما وجود دارد. فرهنگ رایج سیاسی و اجتماعی در خاورمیانه عبارت است از عدم قبول یکدیگر و پاکسازی هویت‌های متفاوت و تلاش برای اشغال میهن و روح دیگران. سواى همه مشکلات، اینجا مشکلی اساسی وجود دارد که عبارت است از مسئله خاک و سرزمین‌های درهم تنیده. طى سالیان دراز و کهن جنگ و درگیری اقوام، عشایر و قبایل متفاوت، سراسر خاورمیانه پر از درگیری و آشتی‌نگی ملی، قومی و طایفه‌ای بوده است که در کمال ناباوری در داخل یک سرزمین ملتی، بخشی از قومی دیگر ساکن شده که انسان متعجب می‌شود چگونه چنین چیزی اتفاق افتاده است؟! مسئله میهن و خاک مشکلی بزرگ بوده که جنگ و کشتار فراوانی برای آن صورت پذیرفته و نه تنها مرتفع نگردیده، بلکه بر تنش آن افزوده شده است. برای مثال، کرکوک در کوردستان عراق مانند یک بمب ساعتی بوده که هر زمان احتمال انفجار دوباره آن وجود دارد.

در کوردستان ایران و سراسر ایران نیز اینگونه مشکلات به وفور وجود دارد. درهم آمیختگی کورد و ترک آذری، کورد و فارس، کورد و عرب و همچنین بلوچ و فارس یا ترک آذری و فارس و فارس و ترکمن و ده‌ها نمونه ناسازگار دیگر در مناطق مختلف، هر کدام نقطه‌ای خطرناک برای آینده بوده که به بروز مشکلات منجر می‌گردد.

در روزهای اخیر اشخاصی دوباره به حزب دمکرات بهانه گرفته‌اند

ادامه در صفحه ۳



که این نیز به معنای فروپاشی اقتصادی خواهد بود. به طور کلی می‌توان سال ۹۹ را چنین متصور شد: سال ۹۹ سالی دشوار و سرنوشت‌ساز می‌باشد. رژیم به علت سیاست‌های غلط، شرایط اقتصادی و سیاسی و اجتماعی ایران را به طور کلی از بین برده است. بر تحریم‌ها بیش از پیش افزوده خواهد شد، بودجه سال ۹۹ اقتصاد ایران را ویران خواهد کرد، خزانه دولت خالی است، ویروس کرونا ناکارآمدی سیستم رژیم ایران را نمایانتر ساخت. شکاف بین رژیم و مردم از همه زمان‌ها بیشتر است. رژیم توانایی و مهار اتفاقات پیش‌بینی شده مانند مرگ خامنه‌یی، حمله نظامی، کودتای نظامی، ورشکستگی رژیم را ندارد. به همین دلیل سال ۹۹ اگرچه برای مردم دشوار است در همان حال سرنوشت‌ساز است.

داشت که رژیم حداقل بعد از سال ۹۶ به شیوه‌ای واضح مشخص شده است در بحرانی عمیق است که می‌شود نام آن را "بحران ترس از سرنوشتی" نام گذاشت. پس استراتژی و سیاست رژیم بیشتر برای عبور از بحران بوده است. طی ماه‌های آتی رژیم ایران با موجی دیگر از کرونا روبرو خواهد شد که بسیاری از ناظران آن را پایان رژیم ایران توصیف می‌کنند. بخشی دیگر از ترس رژیم ایران در سال ۹۹ از لحاظ اقتصادی به بیشتر صاحب‌نظران بر آن اتفاق عقیده دارند و رژیم دچار شکست خواهد شد تورم بی سابقه و بیکاری خواهد بود. هیچ کدام از درآمدهای پیش‌بینی شده رژیم عملی نخواهد شد. به همین دلیل ناچار خواهد شد اسکناس چاپ کند. بر اساس تفاسیر چاپخانه بانک مرکزی اصلی‌ترین منبع دولت خواهد شد

و بویراحمد" و "دنا و مارگون"، به علت عدم وجود امکانات ضروری جهت ادامه زندگی و نبود خدمات و وضعیت بد معیشتی روستاها را ترک و به شهرها کوچ می‌کنند. این درحالی است که در شهری همچون "یاسوج"، بیش از ۱۰۰ هزار حاشیه‌نشین وجود دارد و مهاجرت روستاییان به شهرها باعث افزایش حاشیه‌نشینی و افزایش آمار بیکاری و فقر و ... می‌گردد. پدیده حاشیه‌نشینی و ترک روستاها پیامد سیاست‌های غلط اقتصادی رژیم بوده که مردم خود را در همه زمینه‌ها در فقر نگه داشته است. مهاجرت از روستاها و در نهایت حاشیه‌نشینی پیامدهای دیگری در پی خواهد داشت و باعث پدیده‌های شوم اجتماعی می‌شود که آن هم دامن ایران را خواهد گرفت. با نگاهی به این وقایع و تجربه چند سال گذشته باید اطمینان

اعتراضی کارگران اعلام کرده‌اند که "برای نان شب محتاج بوده و گرسنه و شرمند خانواده خود هستند." بدلیل وضعیت اسفناک اقتصادی، نبود فرصت شغلی، فقر، گرانی و عدم امید به آینده، هر روز و در نقطه‌ای از ایران تجمعات اعتراضی برگزار می‌گردد، اما از سوی رژیم ایران هیچگونه اهمیتی به خواست معترضان داده نمی‌شود و این تجمعات سرکوب می‌گردد و افراد بسیاری نیز به اتهامات امنیتی بازداشت می‌گرددند. از سوی دیگر به علت وضعیت اسفناک اقتصادی، عدم خدمت‌گزاری و عدم تأمین نیازمندی‌ها، روستانشینان ایران مجبور به ترک روستاها و روی آوردن به شهرها شده‌اند. بنا بر گزارش رسانه‌های رژیم و با استناد به سخنان مسئولان رژیم، روستاییان اطراف استان "کهگیلویه

مردم معترض و به ستوه آمده ایران در اغلب شهرهای ایران علیه سیاست‌های رژیم ایران، وضعیت کنونی اقتصادی ایران و ظلم و ستمی که بر آنان روا داشته می‌شود، بصورت مستمر اجتماعات اعتراضی برگزار می‌کنند. روز دوشنبه ۲۹ اردیبهشت ماه، پرسنل صدا و سیمای رژیم در تهران علیه فساد و دزدی مسئولان و رفع تبعیض و پرداخت حقوق معوقه خود تجمع اعتراضی برگزار نمودند. همچنین جمعی از کارگران شرکت "هپکو اراک" به نسبت عدم شفافیت در وضعیت تولید این شرکت و مجموعه‌ای از مشکلات دیگر دست به اعتراض زدند. همزمان برای چندمین روز متوالی، تجمعات اعتراضی کارگران شهرداری "اروند کنار" ادامه داشته و کارگران خواستار پرداخت حقوق معوقه خود هستند. در این تجمعات

پیام مسئول اجرایی حزب دمکرات خطاب به عموم مردم کوردستان

برای ارائه پرسش، انتقاد و پیشنهادات وجود دارد. لذا بعنوان اصول کار سازمانی پایبندی به این نکته، اعضای حزب دمکرات را موظف به تعهد به چهارچوب کار تشکیلاتی و دیسپلین حزبی می‌نماید و در رسانه‌های جمعی، از سخنان و گفته‌های ناسالم که به اتحاد تشکیلاتی حزب ضربه می‌زند، امتناع بورزید.

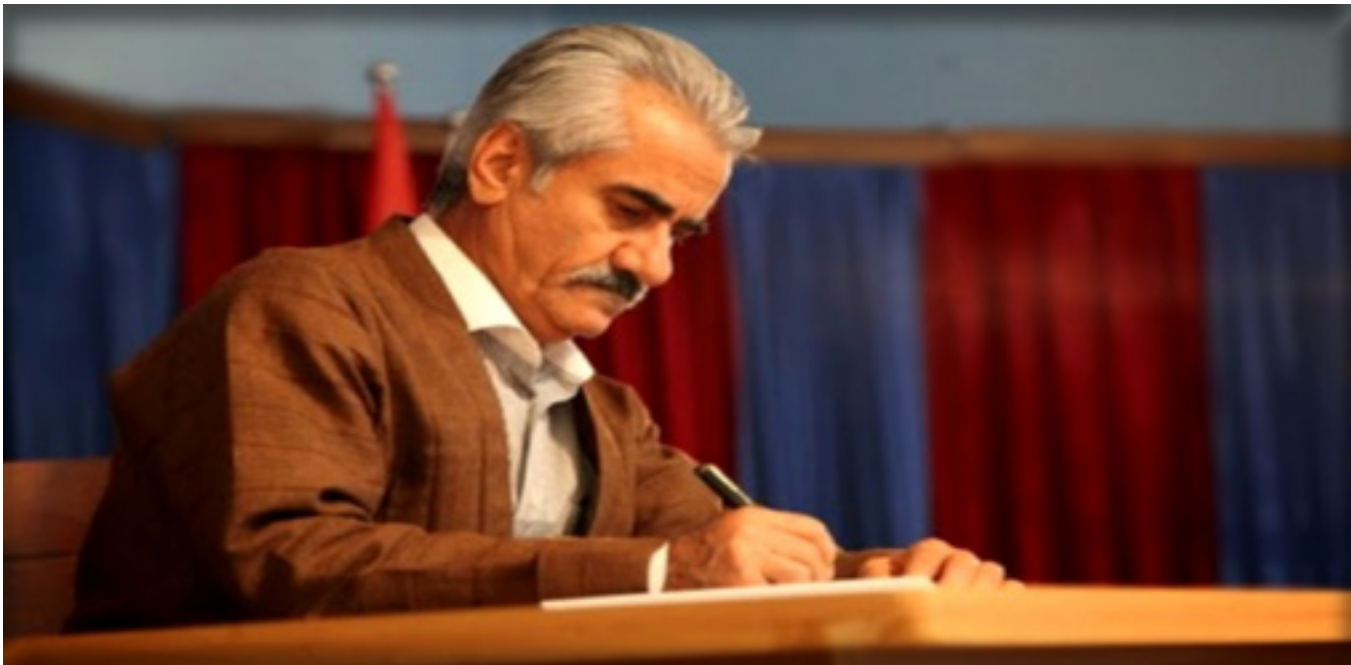
در پایان، به همه اعضا، هواداران و دوستان حزب اطمینان می‌بخشیم که با در نظر گرفتن وظیفه سنگینی که بر دوشمان است، بر اتحاد و وحدت تشکیلاتی مبتنی بر اصول و رعایت قوانین مصوب حزب و استحکام بیشتر صفوف مبارزاتی علیه رژیم جمهوری اسلامی گام برمی‌داریم.

حزب دمکرات کوردستان ایران

مسئول اجرایی

مصطفی هجری

۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۹



وحدت تشکیلاتی حزب دمکرات که باعث نگرانی اعضا، هواداران و هر کورد میهن‌پرستی شده را با آگاهی و هوشیاری کامل رصد نمایند.

می‌نمایند، متعهد و غمخوار حزب و مبارزاتمان بوده و به نظر متفاوت آنان احترام گذاشته و آن را ارج می‌نهیم.

سوم: از همه ارگان‌ها و سازمان‌های حزب دمکرات تقاضا داریم که، مطالب و تبلیغات منفی علیه

ضمن تعهد به اصول کار سازمانی، یکی از سرمایه‌های عظیم حزب دمکرات می‌باشد، لذا نظرات و عقاید متفاوت در حزب خویش را ارنج نهاده و همه اشخاصی که با درنظر گرفتن

دوم: سالیان مدیدی است که بعنوان پرنسپیی دمکراتیک و سازمانی، رای و نظر متفاوت

کوردستان ایران و بنابه احساس مسئولیت مشترک، بر اتحاد صفوف حزب دمکرات تأکید می‌کنیم.

نخست: به همه اعضا، هواداران و دوستداران حزب دمکرات اطمینان می‌دهیم که بر سیاق مبارزات جنبش ملی-دمکراتیک

درخواست حزب دمکرات از سازمان عفو بین‌الملل برای حمایت از "هدایت عبدالله پور"



ارومیه محبوس می‌باشد و حکمی ناعادلانه بر وی تحمیل گردیده، تمامی اقدامات لازم را برای جلوگیری از اجرای حکم اعدام نامبرده بکار گیرند.

روابط بین‌الملل حزب دمکرات ازسازمان عفو بین‌الملل درخواست نموده تا برای دفاع از "هدایت عبدالله‌پور" که وی بدون ارتکاب جرمی بیش از سه سال در زندان

روابط بین‌الملل حزب دمکرات کوردستان ایران در نامه‌ای سرگشاده به سازمان عفو بین‌الملل، از این سازمان درخواست نمود تا از زندانی سیاسی کورد "هدایت عبدالله‌پور" حمایت کند.

روابط بین‌الملل حزب دمکرات کوردستان ایران در نامه‌ای خطاب به سازمان عفو بین‌الملل، از این نهاد بین‌المللی تقاضا نمود که برای جلوگیری از اعدام زندانی سیاسی کورد، "هدایت عبدالله‌پور" اقدامات لازم را انجام دهد.

در این نامه آمده که این زندانی سیاسی کورد به اتهام ارتباط با یکی از احزاب اپوزیسیون کورد مخالف رژیم ایران، حکم اعدام بر وی تحمیل گردیده و چند روز قبل از زندان ارومیه به مکانی نامعلوم منتقل گردیده و احتمال اجرای حکم اعدام نامبرده بالا می‌باشد.

استقبال حزب دمکرات از ممنوعیت فعالیت حزب‌الله در آلمان



مرکز ارتباطات بین‌المللی حزب دمکرات کوردستان ایران در انتهای نامه از دولت آلمان درخواست کرده است که فعالیت‌های سازمان‌های زیر چتر دستگاه‌های جاسوسی رژیم ایران مشغول فعالیت تروریستی هستند. با این اقدام دولت آلمان، تاثیر رژیم ایران در این کشور محدود خواهد شد.

دگراندیشان و احزاب مخالف رژیم، اعضای این سازمان تروریستی را به کار گرفته است. در این نامه به ترور میکونوس در شهر برلین اشاره شده است که در آن دکتر صادق شرف‌کندی، دبیرکل حزب دمکرات و دوستان وی شهید شدند. در این حمله تروریستی، چهار عضو حزب‌الله لبنان و یک ایرانی دست داشتند.

حزب دمکرات کوردستان ایران از تصمیم دولت آلمان برای ممنوعیت فعالیت حزب‌الله لبنان در این کشور حمایت و استقبال کرد. روابط بین‌المللی حزب دمکرات کوردستان ایران در نامه‌ای به وزارت خارجهی آلمان و هر دو حزب دمکرات مسیحی و سوسیال دمکرات آلمان که احزاب اصلی دولت فعلی آلمان هستند، از تصمیم این کشور برای ممنوعیت فعالیت‌های حزب‌الله لبنان استقبال کرد. این حزب کوردستانی در نامه‌ی خود این اقدام دولت آلمان را اقدامی موثر و مفید عنوان کرده که می‌تواند بر روی فعالیت‌های تروریستی این سازمان در آلمان تاثیر داشته باشد. همچنین این حزب تاکید کرده است که حزب الله لبنان، یکی از همپیمانان مهم رژیم ایران محسوب می‌شود و این رژیم، در خیلی از موارد برای اجرای اقدامات کثیف خود علیه

جمعی دیگر از رهروان آزادی کوردستان به صفوف پیشمرگه پیوستند



شده به صفوف پیشمرگه کوردستان، به اتمام رسید.

پیشمرگه با آهنگی از سوی "جعفر" یکی از جوانان تازه ملحق

برتر دوره اهدا گردید. مراسم اختتامیه دوره ۲۴۲ مقدماتی

آموزشگاه قرائت گردید. سپس پیام دوره ۲۴۲ مقدماتی از سوی "محمد" یکی از شرکت‌کنندگان دوره، پیشکش حضار شد. همچنین سرودی با نام "سلاوی پیشمرگه" از سوی حضار دوره قرائت شد. همانند همه ادوار قبل، به نفرت اول تا سوم دوره در زمینه‌های سیاسی _ نظامی و نظم و دیسپلین جوایزی تعلق گرفت. این جوایز از سوی "خالد خالدار" و "خلیل میلانی" به نفرت

سیاسی و نظامی، کادر و پیشمرگه‌های حزب دمکرات حضور یافتند. سپس "خالد خالدار"، فرمانده نیروی ۱۲۷ پیشمرگه، به مناسبت اتمام موفقیت‌آمیز این دوره، سخنانی ایراد نمود. در ادامه قطعه شعر نثری تحت نام "له خه هه‌ستان" از سوی "آسو" یکی از شرکت‌کنندگان دوره تقدیم حضار شد. در بخش دیگر این مراسم، گزارش آموزشگاه فرماندهی از سوی "سورر معروفی"، مربی

دوره ۲۴۲ مقدماتی پیشمرگه در یکی از مقرهای اصلی حزب دمکرات با موفقیت به اتمام رسید و جمعی دیگر از رهروان آزادی کوردستان به صفوف پیشمرگه کوردستان پیوستند. مراسم اختتامیه دوره ۲۴۲، ابتدا با قرائت سرود ملی "ای رقیب" از سوی حضار دوره و یک دقیقه سکوت به احترام روح پاک شهیدان کوردستان آغاز شد. در این مراسم، جمعی از مسئولان

مصادره کمک‌های مردمی از سوی جاش‌های رژیم

جمع‌آوری گردیده بود را در بین خانواده‌های جاش‌های رژیم توزیع کرده است.

رژیم ایران در برابر انظار عمومی به توزیع اقلام و کمک به جاش‌ها و مهره‌های خود مبادرت می‌ورزد و درصدد است تا وانمود نماید که جاش‌ها و بسیجیان از هرگونه خدمتگذاری حکومتی برخوردار بوده و بدین شکل در تلاش برای جلب توجه و کشاندن مردم به سوی خود است.

گردیده است.

یک منبع آگاه اعلام کرد که این جاش و مهره رژیم ایران، اقلام جمع‌آوری شده را مصادره نموده و در بین جاش‌های دیگر و افراد مورد تأیید خود تقسیم نموده است. همچنین چند روز قبل، سپاه تروریست پاسداران در میدان فوتبال شهرستان بوکان، اقلامی همچون برنج، روغن، گوشت و دیگر اقلام خوراکی که از سوی فعالان مدنی و خیران برای خانوارهای کم‌درآمد

کمک‌های مردمی که برای فقرا و افراد کم‌درآمد جمع‌آوری شده بود از سوی جاش‌ها و عوامل وابسته به رژیم ایران مصادره گردیده و در بین خود توزیع می‌کنند.

در روستای "دزلی" از توابع شهر سروآباد، تصمیمی مبنی بر اختصاص دادن برخی اقلام مانند برنج و روغن و خوراکی بر خانوارهای فقیر و کم‌درآمد اتخاذ گردیده، اما این اقلام از سوی یکی از جاش‌های رژیم مصادره

تخریب آثار باستانی اشنویه از سوی رژیم به بهانه ایجاد میدان تیر



سپاه تروریست پاسداران در شهرستان "اشنویه"، به بهانه ایجاد میدان تیر اقدام به تخریب آثار باستانی این شهرستان کرده است. نیروهای سپاه تروریست پاسداران در روستای "ریکاباد" اشنویه، به بهانه ایجاد میدان تیر، در حال تخریب آثار باستانی این روستا می‌باشند. یک منبع مطلع دراین خصوص گفت: "میدان تیر سپاه تروریست پاسدارن، ۱۵۰ متر از آثار باستانی این روستا دور می‌باشد، اما نیروهای سپاه این محل را مصادره کرده و به بهانه ایجاد میدان تیر، در حال تخریب "قلانگه" ریکاباد می‌باشند که قدمت آن به چندین صده پیش برمی گردد". "قلانگه" ریکاباد در مابین روستاهای "گوندویلا، چشمه گل و حسن نوران" قرار گرفته است.

به آتش کشیدن مقبره مقدس یهودیان در همدان



براساس گزارش‌های منتشر شده از "اتحادیه ضد افترا"، زیارتگاه "استر و مردخای"، مکان مقدس یهودیان درهمدان به آتش کشیده شد. سپاه تروریست پاسداران همانگونه که پیشتر هشدار داده بود اقدام به آتش زدن زیارتگاه مقدس وتاریخی یهودیان در همدان کرده است. پیشتر گروهی از دانشجویان مزدور بسیجی در تجمعی مقابل مقبره "استر و مردخای" تهدید کرده بودند که این زیارتگاه یهودیان ایران را ویران خواهند کرد. رهبران چند سازمان یهودی در آمریکا، به آتش کشیده شدن این مقبره را محکوم کرده و خواستار برخورد با مرتکبین این اقدام یهود ستیزانه شدند. نماینده ویژه آمریکا در بررسی و مبارزه با یهود ستیزی اعلام کرد: "ما حمله به آرامگاه استر و مردخای در شهر همدان ایران را که در پی تهدید وارد شده علیه آن مکان اتفاق افتاد، شدیداً محکوم می‌کنیم". مقبره "استر و مردخای" واقع در همدان، جزء مهم‌ترین زیارتگاه‌های یهودیان ایران و جهان است. رژیم ایران بزرگترین حامی یهود ستیزی در جهان است و از هر روشی برای اقدامات یهودستیزانه بهره می‌جوید.

فشار نهادهای امنیتی رژیم بر خانواده‌های پیشمرگان کوردستان



جاسوسی نمایند. یکی از سیاست‌های رژیم اسلامی ایران برای فشار بر پیشمرگان کوردستان، احضار مداوم و بازخواست خانواده‌های آنان با هدف ایجاد جنگ روانی می‌باشد.

کوردستان کرده و ضمن درخواست شماره تلفن شخصی و اطلاعات شخصی پیشمرگه‌ها، از آنان درخواست نموده که فرزندان خود را به رژیم تسلیم نموده یا به بهانه ملاقات فرزندان خویش، برای رژیم

رژیم از طریق نهادهای امنیتی بر خانواده‌های پیشمرگان کوردستان فشار آورده که اطلاعات شخصی فرزندان پیشمرگ خود و آشنایان و بستگان را در اختیار آنان قرار دهند.

در چند روز اخیر، اداره اطلاعات شهرستان "مریوان"، خانواده پیشمرگان کوردستان را احضار کرده و با تهدید و ایجاد رعب و وحشت، اطلاعات شخصی دوستان و آشنایان و همسایگان و شماره تلفن آنان را درخواست کرده‌اند. همچنین از خانواده‌های پیشمرگان درخواست شده که فرزندان خود را به ایران برگردانده و تسلیم رژیم اسلامی ایران نمایند. اداره اطلاعات رژیم ایران در اغلب شهرهای کوردستان اقدام به احضار خانواده پیشمرگان

عقاب‌های «زاگرس» یکی از فرماندهان ناجا را به سزای اعمال خود رساندند



این پاسگاه رژیم زخمی گردید. در این ویلاگ آمده: "ساعت یک و ۳۰ دقیقه شامگاه جمعه، ۲۶ اردیبهشت ماه ۱۳۹۹، یک اکیپ نظامی که با هدف آزار و اذیت مردم از پاسگاه زیوه خارج شده بود در کمین عقاب‌های زاگرس افتاده و فرمانده این پاسگاه به نام "محرمی" در این درگیری زخمی

شد. براساس این گزارش ویلاگ عقاب‌های زاگرس: "این فرمانده رژیم نقش موثری در آزار و اذیت مردم منطقه و همچنین مصادره و ضبط احشام آنان داشته است. این عملیات عقاب‌های زاگرس با خشنودی و رضایت عموم مردم منطقه همراه بود".

"عقاب‌های زاگرس" طی عملیاتی در منطقه "مرگور" ارومیه، یکی از فرماندهان ناجا را به سزای اعمال خود رساندند.

براساس گزارش منتشره در ویلاگ "عقاب‌های زاگرس"، طی حمله یک تیم عملیاتی از عقاب‌های زاگرس به پاسگاه مرکزی "زیوه"، از توابع مرگور ارومیه، فرمانده

رژیم عزم خود را برای نابودی محیط زیست کوردستان جزم کرده‌است



تخریب محیط زیست و جنگل‌های کوردستان توسط افراد مزدور وابسته به سپاه پاسداران رژیم ایران ادامه دارد.

بر اساس گزارش‌های منتشر شده، طی چند روز اخیر مزدوران وابسته به رژیم اقدام به تخریب و نابودی جنگل‌های "میرگه‌سار و کانی زرد"، "گردنه داروئز و تخت" در منطقه "دالاهو" در استان کرمانشان کرده و قسمتی از جنگل‌های این مناطق را از بین برده‌اند.

همچنین با آتش زدن دشت و مزارع کشاورزی منطقه "تنگه برده‌لی" در منطقه "دالاهو" خسارات جبران ناپذیری به اراضی کشاورزی این منطقه وارد کرده و قسمت های زیادی را از بین برده‌اند.

از سوی دیگر، در مناطق کوهستانی شهرستان "بانه"، جهاد

کشاورزی رژیم بدون هیچ مجوزی اقدام به تخریب و برداشت از این منطقه کرده‌اند. پیشتر نیز انجمن محیط زیستی شهرستان "بانه"، از قطع دستکم ۳۰۰ درخت در یکی از مناطق این شهرستان خبر داد.

سپاه تروریست پاسداران درصدد نابودی طبیعت کوردستان و از بین بردن محیط زیست این منطقه بوده و طی سالیان گذشته گزارش‌های

آیا ایران توانایی مدیریت یک جنگ تمام عیار را دارد؟

مختار نقشبندی

حادثه اخیر که بر اثر شلیک اشتباه ناو جماران به ناوچه کنارک در جریان یک مانور نظامی که ۱۹ نفر کشته و ۱۵ نفر زخمی شدند بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌ها و دنیای مجازی داشت و باعث یادآوری حوادث مشابه در گذشته بخصوص حادثه سرنگونی هواپیمای مسافربری اکرانی شد و این سوال باز هم تکرار شد که چرا این همه اشتباه مرگبار؟ در چهل سال گذشته ده‌ها حادثه مشابه اتفاق افتاده است که علی‌رغم تلفات بالای انسانی هیچ مقام مهم سیاسی و نظامی رژیم از کار برکنار نشده و هرگز مردم در جریان نتیجه تحقیقات و علت اصلی حوادث قرار نگرفته‌اند. از سرنگونی هواپیمای نظامی و غیرنظامی خودی توسط سیستم پدافند هوایی گرفته تا هدف قرار دادن نیروهای خودی در جریان مانورهای نظامی همگی نشان از وجود مشکلات انسانی و فنی گسترده در نیروهای مسلح ایران است و این همه حادثه این سوال مهم را پیش آورده است که آیا ایران توانایی مدیریت یک جنگ تمام عیار را دارد؟

• جنگ تمام عیار به چه معنا است و آیا ایران قصد برپایی یک جنگ تمام عیار را دارد؟

جنگ تمام عیار یعنی به کارگیری همه توان انسانی و اقتصادی و نظامی و سیاسی و کل منابع کشور برای شکست طرف مقابل، در چنین جنگ‌هایی نیاز به شناخت کامل توانایی‌ها و نقاط قوت و ضعف کشور و طرف مقابل و برنامه‌ریزی و مدیریت دقیق و درست است، رهبران رژیم به خوبی می‌دانند هر جنگ کوتاه مدتی چه با آمریکا و چه با عربستان و امارات و یا اسرائیل دستاوردی به جز وخیم‌تر شدن اوضاع اقتصادی ندارد چون کشورهای نام برده از توان اقتصادی بهتری نسبت به ایران بر خوردار هستند و بر خلاف ایران قادر به بازسازی خسارت‌های وارد در مدت کوتاهی هستند و این به ضرر ایران است بنابراین از جنگ کوتاه مدت و بی دستاورد دوری می‌کنند و فعلا به حمایت از گروه‌های شبه نظامی و در صورت لزوم حملات متقابل مانند ماجرای کشته شدن قاسم سلیمانی و حمله ایران به پایگاه آمریکا در عراق ادامه خواهند داد اما با توجه به اینکه بسیاری از جنگ‌های گسترده از یک درگیری محدود شروع می‌شوند و با در نظر گرفتن سخنان تند و تهدیدآمیز مقامات سیاسی و نظامی ایران نسبت به آمریکا و اسرائیل و کشورهای عرب منطقه از جمله سخنان اخیر حاجی‌زاده فرمانده نیروی هوا فضای سپاه که از آمادگی برای حمله به ۴۰۰ هدف نیروهای آمریکایی و متحدانشان در صورت پاسخ آمریکا در جریان حمله

موشکی به پایگاه آمریکا در عراق احتمال وقوع جنگ گسترده وجود دارد اما آیا رژیم ایران در کنار این همه شعار و تهدید برای جنگی گسترده و تمام عیار آماده

راهپیمایی و تظاهرات گرفته تا تحریم انتخابات نارضایتی و مخالفت خود با رژیم را نشان داده‌اند و به علت دروغ های پی‌درپی و سانسور اخبار و واقعیت‌ها مردم

که نیروهای مسلح رژیم ایران به طور مداوم در حال مانور و تمرین نظامی هستند اما عمل کردشان چه در زمان مانور و چه در حالت‌های اضطراری نشان می‌دهد

دیگر آن عدم ارتباط مستقیم میان همه واحدهای زمینی و دریایی و هوایی و پدافند و عدم ارتباط و هماهنگی مستقیم و درست میان ارتش و سپاه است، رژیم

جنگ تمام عیار یعنی به کارگیری همه توان انسانی و اقتصادی و نظامی و سیاسی و کل منابع کشور برای شکست طرف مقابل، در چنین جنگ‌هایی نیاز به شناخت کامل توانایی‌ها و نقاط قوت و ضعف کشور و طرف مقابل و برنامه‌ریزی و مدیریت دقیق و درست است.

اطمینان خود به رژیم و رسانه‌های دولتی را از دست داده‌اند بنابراین رژیمی که در میان رهبران جنگ قدرت وجود دارد و در بین مردم مشروعیتی ندارد توان بسیج مردم برای یک جنگ تمام عیار را ندارد.

• از لحاظ نظامی:

برای این کار دو دلیل اصلی دارد، یکی ترس از کودتا است تا با عدم ارتباط گسترده مانع هر نوع کودتای احتمالی بشوند و دلیل دیگر آن ترس از جنگ با آمریکا است چون رهبران و فرماندهان رژیم ایران به خوبی آگاه هستند که در صورت جنگ گسترده همچون

که توانایی و مدیریت استفاده از همه توان نظامی‌شان را به طور کامل ندارند برای نمونه همین حادثه اخیر ناوچه کنارک، هیچ تفاوتی نمی‌کند که ناو جماران به آن شلیک کرده یا قایق سپاه پاسداران و یا خطای فرماندهی و انسانی بوده یا نقص فنی موشک

به کارگیری فرماندهان نالایق و انتصاب‌ها بر اساس تعهد به جای تخصصی، یکی از دلایل اصلی این همه اشتباهات است اما دلیل دیگر آن عدم ارتباط مستقیم میان همه واحدهای زمینی و دریایی و هوایی و پدافند و عدم ارتباط و هماهنگی مستقیم و درست میان ارتش و سپاه است، رژیم برای این کار دو دلیل اصلی دارد، یکی ترس از کودتا است تا با عدم ارتباط گسترده مانع هر نوع کودتای احتمالی بشوند و دلیل دیگر آن ترس از جنگ با آمریکا است.

• از نظر اقتصادی:

برای پیروزی در یک جنگ تمام عیار لازم است که رژیم توان تأمین حداقل نیازهای مردم و همچنین تأمین نیازمندی‌های صنایع نظامی در دوران جنگ را داشته باشد اما هم اکنون مردم از

جدا از اینکه کمیت و کیفیت تسلیحات نظامی ایران به نسبت رقبای منطقه‌ای در چه سطحی است، مسئله مهم، شناخت و بکار گیری درست و دقیق همه توان نظامی کشور در یک جنگ تمام عیار است که ارتش‌ها برای

به هر حال این یک شکست بزرگ برای نیروی دریایی ایران محسوب می‌شود، در حادثه سرنگونی هواپیمای مسافربری اوکراینی هم جدا از همه بحث‌هایی که در مورد سناریوهای رژیم می‌شود خطای انسانی و نبود هماهنگی

جنگ آمریکا با عراق با استفاده از حملات هوایی شدید و سنگین و استفاده از جنگ الکترونیک و بکارگیری موشک‌ها و بمب‌های ضد رادار بیشتر ارتباطات باسیم و بی‌سیم میان بخش‌های سیاسی و نظامی رژیم و فرماندهان قطع

در جنگ میان دو کشور با توانایی‌های یکسان اقتصادی و نظامی کشوری پیروز خواهد شد که با مدیریت درست از همه امکاناتش بطور هماهنگ و با برنامه استفاده کند و با توجه به مطالب بیان شده ایران نه‌تنها توانایی درگیری با قدرت‌های بزرگ را ندارد بلکه توانایی پیروزی در یک جنگ گسترده با کشوری با توانایی مشابه را هم ندارد.

بین همه واحدهای پدافندی با فرماندهی و همچنین عدم ارتباط و هماهنگی بین فرماندهی پدافند با فرودگاه‌های غیرنظامی دلیل اصلی حادثه بود. در چند دهه گذشته بارها اشتباهات مشابهی روی داده که همگی نشان از ناتوانی و ضعف در نیروهای نظامی ایران است.

به کار گیری فرماندهان نالایق و انتصاب‌ها بر اساس تعهد به جای تخصص یکی از دلایل اصلی این همه اشتباهات است اما دلیل

تعیین شده به جنگ ادامه بدهند، البته رژیم با این روش تنها مدت زمان جنگ را طولانی‌تر خواهد کرد و این روش هم نتیجه‌ای جز شکست در پی ندارد چون ارتش آمریکا با استفاده از پیشرفته‌ترین وسایل ارتباطی از ماهواره گرفته تا هواپیماهای جاسوسی و ... با ایجاد هماهنگی کامل و لحظه‌ای میان همه واحدهای زمینی و دریایی و هوایی و تحرکات سریع و ضربات شدید عمل می‌کند و نیروهای نظامی ایران جدای از کمیت و کیفیت تسلیحاتی در چنین جنگ‌هایی توانایی مقاومت ندارند. در جنگ میان دو کشور با توانایی‌های یکسان اقتصادی و نظامی کشوری پیروز خواهد شد که با مدیریت درست از همه امکاناتش بطور هماهنگ و با برنامه استفاده کند و با توجه به مطالب بیان شده ایران نه‌تنها توانایی درگیری با قدرت‌های بزرگ را ندارد بلکه توانایی پیروزی در یک جنگ گسترده با کشوری با توانایی مشابه را هم ندارد.

با توجه به مطالبه بیان شده ایران بر خلاف آرزوی رهبران‌ش توانایی بسیج همه امکانات اقتصادی و سیاسی و نظامی برای یک جنگ تمام عیار را ندارد و استفاده رهبران و فرماندهان رژیم از واژه جنگ تمام عیار تنها شعار و رویاپردازی است، رژیمی که توانایی مدیریت یک بلای طبیعی مثل سیل را ندارد چگونه می‌تواند همه امکانات یک کشور را برای جنگ بسیج کند! از طرفی اگر رژیم ایران توان مدیریت و استفاده از همه امکانات کشور برای یک جنگ تمام عیار را هم داشت باز هم شانس در مقابل آمریکا با تولید ناخالص داخلی بیش از ۵۰ برابر ایران و با تکنولوژی بسیار پیشرفته را نداشت و در صورت بروز هر جنگی و استفاده ایران از همه توان نظامی‌ش سرنوشت بهتری از عراق نخواهد داشت با این تفاوت که شاید جنگ چند روز بیشتر طول بکشد. رهبران رژیم بر خلاف سخنان‌شان در شرایط فعلی از جنگ هراس دارند هر چند که سال گذشته تلاش کردند از طریق حملات غیرمستقیم آمریکا و عربستان را به یک جنگ محدود بکشانند تا در زیر سایه جنگ در داخل کشور دست به کشتار مخالفان بزنند و با پا در میانی روسیه و چین و یک توافق کلی از منجلا ب گیرافتاده نجات پیدا کنند اما با صبر آن کشورها و ادامه تحریم‌ها چیزی جز فشار بیشتر نصیب ایران نشد، هیچ رهبر عاقل و خردمندی کشورش را وارد درگیری نمی‌کند که جز شکست نتیجه‌ای ندارد اما با توجه به شرایط روحی و فکری رهبران ایران به ویژه خامنه‌ای این امکان وجود دارد که همچون دیکتاتورهایی مانند صدام حسین کشور را وارد یک جنگ خانمان سوز بکنند بنابراین تنها راه دوری از جنگ سرنگونی رژیم است.

کارنامه‌ی کرونایی نظام مقدس

کیوان درودی

قبل از هرچیز ذکر این نکته حیاتی مهم است که حاکمیت جمهوری اسلامی فی‌نفسه به دلیل دیکتاتور بودنش؛ مردود است و لذا از هر نظر این رژیم مشروعیتی برای حاکمیت ندارد. بنابراین مقاله‌ی حاضر تنها در جهت درک عمیقتر و وسیعتر از آنچه تحت سلطه‌ی رژیم اسلامی بر ساکنین جغرافیای ایران گذشته و واکاوی سویه‌های شناختی کارکردگرایانه‌ی این رژیم ارائه می‌شود.

کرونا در ایران یک حضور غیرعلنی و یک حضور علنی داشت. حضور غیرعلنی آن به روزهای قبل از انتخابات فرمایشی دوم اسفندماه و شاید هم پیش از بیست و دوم بهمن‌ماه برمی‌گردد. در هرحال به دلیل پنهان‌کاری در اعلام شیوع کرونا ما نمی‌توانیم روز معینی را ذکر کنیم. اما آنچه مهم است این است که پنهان‌کاری، دلایل سیاسی - ایدئولوژیک داشته است. این ادعا از این نظر موجه است که طبق اخبار مستندی که از داخل ایران به خارج ارسال شده بود، بیماران بسیاری که علائم کرونا داشتند تحت عنوان علائم تنفسی حاد بستری شده بودند که نهایتاً تعداد زیادی از آنها جان خود را از دست دادند.

در فردای روز انتخابات فرمایشی بهارستان اخباری مبنی بر شیوع کرونا در قم منتشر شد و سپس علی خامنه‌ای در خطابه‌ای کرونا را یک بیماری "کذایی" خواند که دست‌مایه‌ی شروع به کار ماشین تبلیغاتی ضد جمهوری اسلامی شده و مخالفان از این بیماری برای پیشگیری از حضور مردم در مراسمات حکومتی بهره برده‌اند. این در حالیست که منشا ورود کرونا، مشخصاً تداوم پروازهای شرکت هواپیمایی ماهان (شرکت هواپیمایی تحت نظارت سپاه) به چین بود و خوشبینترین بسیجی‌ها هم در باورپذیری ادعای مطرح‌شده، با چالش مواجه می‌شوند، چرا که حتی اگر بپذیریم مخالفان چنین هدفی را تعقیب کرده‌اند، باز هم این جمهوری اسلامی بوده که زمینه‌ی ورود کرونا را با عدم متوقف‌سازی پروازها فراهم کرده است.

تا اینجا مشخص شد که هم زمینه‌ی ورود بیماری و هم زمینه‌ی شیوع و گسترش آن را قدرت مسلط بر جغرافیای ایران فراهم نموده است.

کاهش تعدی آمار مبتلایان و جان‌باختگان

جمهوری اسلامی با اعمال فشار بر مدیریت بیمارستان‌ها سعی کرد تا آمار خلاف واقع را ارائه دهد. بخشنامه‌هایی که نسخه‌هایی از از

همیشه سیاسی - ایدئولوژیک است. جمهوری اسلامی برای اینکه وانمود کند که بر اوضاع مسلط است آمارها را پایین‌تر از واقعیت موجود منتشر ساخت و همین مسئله موجب شد تا جامعه جدید کافی را در مواجهه با

کرونا نداشته باشد. رئیس دانشگاه علوم پزشکی گیلان در یک جلسه که ویدیوی آن در دسترس است، اعلام کرد که با توجه به کیفیت و نحوه‌ی تشخیص و عدم دقت لازم دستگاه‌های مورد استفاده در بیماری‌سنجی، نسبتی نامعلوم از کسانی که جواب منفی گرفته‌اند

به کرونا مبتلا بوده و در واقع جواب آزمایش آنها مثبت است. این امر غیر از اینکه باعث افزایش هراس در سطح جامعه و عدم اعتماد به سیستم بهداشتی - درمانی شد؛ موجب بازگشت

افراد دیگر قرار گرفته و زمینه‌ی شیوع بیش از پیش کرونا را فراهم کنند. همزمان حسن روحانی با استناد به یک تصویر که شخصاً مشاهده کرده، این ادعا را مطرح کرد که در یکی از کشورهای اروپایی،

برای بسته‌های دستمال کاغذی محافظین مسلح استخدام شده‌اند. روحانی در ادامه‌ی راهبرد کلیشه‌ای خامنه‌ای در مواجهه با بحران‌ها، به جای پرداختن به مسئله‌ی کرونا در کشور تحت سلطه‌اش، به وارونه‌سازی واقعیت از طریق حمله به دو سوژه‌ی

مستهلک غرب بیگانگان متوسل شد. اما چندی نگذشت که ثابت شد، تصویری که به آن استناد کرده هیچ ربطی به کرونا و محافظت از دستمال کاغذی ندارد. این رسوایی‌ها اخیراً با اخراج

سوی رییس دانشگاه علوم پزشکی گیلان، بیشتر شد. ارسال انصاری، با انتصاب سرپرستان جدید روسای بیمارستان پورسینای رشت، دانشکده‌ی پرستاری پیراپزشکی شرق گیلان و دانشکده‌ی پرستاری و مامایی بهشتی رشت را برکنار

کرد. آنچه مشخص است این است که دلیل این برکناری انتقاد از عملکرد وزارت بهداشت و نهاده‌ی ذی‌ربط با بحران کرونا بوده و این مسئله ارتباطی با نحوه‌ی عملکرد و ارائه‌ی خدمات به مراجعین نیست.

به مراتب واضحتری را در این عرصه ارائه داد. تصمیمات موثر بر ورود و شیوع و کنترل کرونا که در سطح کلان گرفته شد و مشخص شد که منشأ و انگیزی آنها کاملاً سیاسی -

و اصل نظامی که برپا کرده دور کند. یکی از بارزترین این راهبردها، تکرار مداوم مسئله‌ی سوءمدیریت است. به این ترتیب که می‌کوشد تا زیرساخت‌ها، عملکرد دستگاه‌ها، خدمت‌رسانی و مبانی ایدئولوژیک را مطلوب و

نحوی مدیریت را به عنوان عامل مشکلاتی که وجود دارند، به جامعه عرضه کند. البته قبلاً نیز شکست‌هایی در این مورد در جرایان بحران سیلاب‌ها، زمین‌لرزه‌ها، گرانی بنزین و دیگر فجایع به نام جمهوری اسلامی ثبت شده، اما اپیدمی کرونا پیام

شکست مغلطه‌ی سوءمدیریت - مشکل سیستماتیک رژیم ایران از طریق رسانه‌های خود در تمامی بحران‌ها ضمن اعلام موفقیت خود، راه را برای مطرح ساختن یک مغلطه هموار

روسای سه بیمارستان و مرکز آموزش پزشکی و پرستاری از

رژیم ایران از طریق رسانه‌های خود در تمامی بحران‌ها ضمن اعلام موفقیت خود، راه را برای مطرح ساختن یک مغلطه هموار ساخته تا به هر طریق ممکن ریشه‌ی بحران‌ها را از ماهیت و اصل نظامی که برپا کرده دور کند. یکی از بارزترین این راهبردها، تکرار مداوم مسئله‌ی سوءمدیریت است.

ورود کرونا نتیجه‌ی نوع سیاست ایدئولوژیک است و این مسئله را با هیچ نوع مدیریتی غیر از تحول در سیاست کلان نمی‌توان حل کرد.

شیوع و انتشار کرونا بیش از آن که به وزارت بهداشت و نهادهای مدیریتی وابسته باشد؛ به سیاست ایدئولوژیک حاکمیت مربوط است.

ایدئولوژیک بوده، هیچ راهی را برای فراکنی همیشگی باقی نگذاشت. همانطور که در مقدمه ذکر شد، پروازهای ماهان به چین با وجود لزوم متوقف‌سازی آن، زمینه‌ی ورود کرونا را فراهم ساخت و این تصمیم قطعاً به نوع روابط تعریف‌شده‌ی رژیم با دیگر کشورها دارد. با توجه به فشاری که بر جمهوری اسلامی وارد شده، این رژیم بیش از پیش به نظام‌هایی که وارثین جبهه‌ی کمونیزم موسوم به جبهه‌ی شرق هستند، وابسته شد. حتی در میانه‌ی بحران کرونا، سخنگوی وزارت بهداشت رژیم به دلیل انتقادهایی که از سیاست‌های چین در مورد اطلاع‌رسانی راجع به کرونا گرفت، مورد حمله‌ی شدید سخنگوی وزارت امور خارجه‌ی دولت روحانی و رسانه‌های وابسته به سپاه قرار گرفت. تصمیم به ادامه‌ی پروازها در حالی بود که سعید نمکی، وزیر بهداشت رژیم در پاسخ به انتقادات مطرح‌شده، عنوان کرد که از اواخر دی‌ماه خواستار قطع پروازها به چین بوده است.

آیا چنین سیاستی هیچ ارتباطی با مدیریت دارد؟ قطعاً خیر. پس تا اینجا ورود کرونا نتیجه‌ی نوع سیاست ایدئولوژیک است و این مسئله را با هیچ نوع مدیریتی غیر از تحول در سیاست کلان نمی‌توان حل کرد. همانطور که اشاره شد، سیاست عوام‌گرایانه و عوام‌فریبانه‌ی مشارکت حداکثری در بیست و دوم بهمن و انتخابات دوم اسفندماه، عامل شیوع و انتشار کرونا بود. قطعاً فرایند تصمیم‌سازی در چنین مواردی در نهادهایی همچون بیت رهبری و شورای عالی امنیت ملی انجام می‌پذیرد، لذا طرح این ادعا که

چنین مسئله‌ای تعدی و در راستای اهداف ایدئولوژیک بوده کاملاً منطقی و مستدل است و بر همین اساس نیز می‌توان گفت شیوع و انتشار کرونا بیش از آن که به وزارت بهداشت و نهادهای مدیریتی وابسته باشد؛ به سیاست ایدئولوژیک حاکمیت مربوط است.

ساده‌ترین نتیجه‌گیری این است رژیم ایران یک کارنامه‌ی کاملاً مردود در مورد اپیدمی کرونا دارد و این شکست با توجه به وسعت بحران در سطح بدنه‌ی اجتماعی به طور بی‌سابقه‌ای احساس شد. شکست‌های یکی پس از دیگری در مواجهه با بحران‌ها نتیجه‌ی زمینه‌ی تصمیمات گذشته و انبوه بحران‌هایست که روی دست جمهوری اسلامی مانده‌اند. این وضعیت اسفباری که جامعه در آن به سرمی‌برد بدون تردید با برکناری و انتصاب مدیران اجرایی و یا حتی با تغییر نحوه‌ی مدیریت قابل حل نیست و برای این ادعا، همین دلیل ساده کافیتست، یک نظام سیاسی که بر مبانی ایدئولوژیک بنا نهاده شده، توان پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری نداشته، ندارد و نخواهد داشت.

سیاست‌های کلان و شکست خورده سینمای به ظاهر مردمی

قتدیل پیرانشاری

در راستای اثربخشی و به ثمر نشستن سیستماتیک و پشت‌پرده سینمای ایران، توهین و بی‌ارزش شمردن ارزش‌های ملت‌ها و قومیت‌های کهن ساکن ایران، پروژه عظیم و سرمایه‌گذاری‌های کلان در پشت‌پرده به ظاهر آرام و معصوم سینما و برنامه‌های این شبکه مردمی، در این راستا سال‌های درازی است که سیاست جنگ نرم و استراتژیکی خفیف و مخوف این نهاد و ارگان در کشمکش و تظاهرهای گوناگون و پی‌درپی شکست‌خورده این ارگان، کم‌وبیش شاهد تضاد و پارادوکسی این همه دروغ و فریب‌کاری از جانب دروغ‌پردازی‌های کلان و گول‌زننده‌های نرم این فکریت و ذهنیت در چهارچوب مردمی کردن این ارگان بودیم و هستیم. سیاست توهین و بی‌ارزش شمردن ملت‌های زیردست این امپریالیستی فرهنگی و زبان و ملی از جانب قومی که نه تاریخ دقیق و نه زبان و ماهیت دقیقی دارند در راستای اثربخشی حکومت مرکزی و حکومت حاکم در پیش و قبل از انقلاب بدون هیچ تغییر در ساختار فکریتی و ایدئولوژیکی، کماکان در رأس حاکمیت قرار دارد.

« در سینمای این نهاد، ملت‌های زیر ستم و زیر لنز دوربین‌های یک مشت بی‌سواد و آفازاده، چگونه معرفی‌هایی دارند؟ »

در تمام فیلم‌ها و سریال‌های این ارگان، بغیر از سیستم هزاریکی پایتخت‌نشین، که اوج سیستم طبقاتی را شاهد هستیم، ساختار طبقات قشر کم‌درآمد با دگرگیری فقر فرهنگی نیز آمیخته شده است، در تمام این پروژه‌ها، ملت‌هایی که از نظر تمدن و تاریخ، صاحبان اصلی این مرز و بوم هستن، مورد هجوم لنز بی‌شعوری این نهاد قرار گرفته‌اند، شناسه این ملت‌ها در این عرصه به این شکل هست، انسان‌هایی بی‌سواد، عقب‌افتاده،

نفهم، بی‌نظم، ظاهر عجیب و غریب، معتاد، باعث آشوب‌گری، فرق بین هیچ چیز مدرن و کلاسیک اعم از لوازم تکنولوژی، شهری، ماشینی، دستی، فرق آرایش‌گاه زنانه و مردانه را از یکدیگر نمی‌دانند، فرق بین روستا و شهر را نمی‌دانند... این‌ها شناسه یک فرد غیر پایتخت‌نشین در پروژه‌های این سیستم هستند، در کلیه فیلم‌ها و سریال‌ها، سالیان دراز است که پروژه جنگ نرم علیه ملت‌های ایرانی در بعدی از درون‌گاه از عینک مخاطبین روشن‌فکر و صاحب نظر این محصولات است.

بعد از توهین‌های فراوان به اکثریت زبان و فرهنگ‌های کهن این ملت، در کنسرت‌های دل‌فک و عقب‌افتاده‌هایی به‌نام جوک خنده، بازار خنده، تقلید صدا وغیره، به شکل عظیمی فرهنگ‌ها و

ملت‌های کهن این سرزمین، مورد تهاجم فرهنگی قرار گرفته‌اند. چرا، سینما بجای سرمایه‌های کلان و بی‌خود و پوچ برای چنین برنامه‌های بدون هیچ ارزش فکری، سرمایه‌گذاری می‌کند، ولی این‌کار و وقت و سرمایه را برای ساخت برنامه‌های آموزشی، فکری، علمی، هنری، تاریخی که بعد لوژیکی و آکادمیکی داشته

برنامه‌هایی از این قبیل خواهند بود، برنامه‌هایی که در آن ماهیت و چهارچوب بی‌ارزش شمردن و توهین به زبان و تاریخ و فرهنگ ملت‌های دیگر هستند. با نگاه کوتاهی به کارنامه صدا و سیما، درمی‌یابیم که اهداف دقیق و کارآمد این نهاد، در فیلم‌هایی که افراد مشهور، یزدی، شیرازی، آذری، شمالی، جنوبی... همیشه

سبحان نیز شاهد زنجیره سریالی با نام (ن.خ) با کارگردانی سعید آقا خانی هستیم، شیوه و سیستم کاملاً سیستماتیک و نهفته از بکارگیری فردی که خودش کورده هست! تا گمان و نگاه‌های انتقادپذیر از این پروژه دور بماند! این سناریو، چندان جدید نیست، بکارگرفتن شخصی کورده با ایدئولوژیکی کاملاً سری برای

سوی دختران کورده در جنگ برابر نیمی از ابرقدرت‌های جهان، در زیر نقاب دولت اسلامی داعش، اتحاد و هم‌دلی کوردها در سیل و زلزله کرماشان و لرستان... و ده‌ها مورد جهانی از این قبیل، این سیستم شونیزم و فاشیست را برآن داشت که دوربین‌ها و توهین‌های خودش را با نفوذ قدرت حاکم و توانایی خویش را به سمت این ملت کهن،

سریالی که ملت کهن کورده که صاحب تمدن ۱۲ هزار ساله و زبان کاملاً غنی و لباس کاملاً تاریخی هست، در بعدی از زمان، که کوردها تمامی جوایز جهانی اعم از نوبل صلح، نوبل ادبی، نوبل ریاضی برای نادیا مورا، کوچر بیرکار، بختیار علی، امپراطوری شهر جهان شیرکو بی‌کس، جوایز ارزشمند ادبی جهانی برای بهروز بوچانی، کوردها برای نجات هم‌دیگر، اتحاد در مقاومت و جنگ برای امنیت جهانی و منطقه از سوی دختران کورده در جنگ برابر نیمی از ابرقدرت‌های جهان، در زیر نقاب دولت اسلامی داعش، اتحاد و هم‌دلی کوردها در سیل و زلزله کرماشان و لرستان... و ده‌ها مورد جهانی از این قبیل، این سیستم شونیزم و فاشیست را برآن داشت که دوربین‌ها و توهین‌های خودش را با نفوذ قدرت حاکم و توانایی خویش را به سمت این ملت کهن، زیر ذره‌بین ببرد.

باشند را نمی‌گردد و نمی‌کند؟

« سوال این‌جاست، چرا مجوز این کارها راحت گرفته می‌شود؟! چرا؟ »

در چهارچوبی که اصل پروژه ایسکیورانتیزم، که تمام سعی و تلاش این سیستم در این است که ساختارهای جامعه که افراد آن جامعه هستند، از علم و آگاهی دور باشند، چون اگر افراد جامعه و اجتماعی، آگاه و علمی بیندیشند و فکر کنند، ساختار کلاسیک و حاکمیت دچار لرزش قدرت خواهند شد، در این راستا و اساس این کار، از بعد آنالفا بیست و یکمین، فرایند فقدان فرهنگی و رشد نکردن فرهنگی جامعه و بیسوادی و نداشتن آگاهی کامل و نبود سواد فرهنگی و زبان و تاریخی، این مردم دائم خواستار

کسانی معصوم، عقب‌افتاده، ساده‌لوح، گویش و لهجه عجیب و غریب، لباس عجیب غریب و در جو تهران و رأس فیلم‌های این نهاد قرار دارند، در زنجیره سریال پایتخت و مخرب‌های فرهنگی و سایکولوژی این فیلم برای جامعه این بحث نمایان شد، در سال ۸۵ توهین و بی‌ارزش شمردن ملت آذری و ترک به مشابای سوسک خانگی در روزنامه‌ها و در برنامه کودک شبکه دو و برنامه ویژه نوروزی (کلاه قرمزی) توهین به فرهنگ ملت آذری که فرق مابین فلج‌ه مخصوص توالد و مسواک رو هم نمی‌دانند و لباس کهن و تاریخی کوردها به مشابه خورجین الاغ و ده‌ها مورد دیگر بعد اصلی و فرایند خودمدیریتی و رازهای نهفته این ارگان را برملا میکند.

این سیستم و گرفتن مجوز، همه نگاه‌های تند و انتقادگونه را دور میریزد! سریالی که ملت کهن کورده که صاحب تمدن ۱۲ هزار ساله و زبان کاملاً غنی و لباس کاملاً تاریخی هست، در بعدی از زمان، که کوردها تمامی جوایز جهانی اعم از نوبل صلح، نوبل ادبی، نوبل ریاضی برای نادیا مورا، کوچر بیرکار، بختیار علی، امپراطوری شهر جهان شیرکو بی‌کس، جوایز ارزشمند ادبی جهانی برای بهروز بوچانی، ده‌ها مورد جانفدایی و اسطوره‌ای در نجات هم‌زبان‌ها و غیر هم‌زبان‌ها، غارت اموال ماشین‌های مردم توسط خورد مردم در بخش‌های جدا جدای ایران، ولی هم‌دلی و اتحاد کوردها برای نجات هم‌دیگر، اتحاد در مقاومت و جنگ برای امنیت جهانی و منطقه از

زیر ذره‌بین ببرد. در این سریال ما شاهد یک زبان فارسی هستیم که از جانب کادر دولتی و اداری مردم کرماشان درحال شکل‌گیری پروژه دوره قاجاریست، پروژه که حکومت قاجار برای پایتخت غرب خود و نهادینه کردن و اداره کردن این پایتخت برای بخش اداری این شهر به نام فارسی کرماشانی - کرمانشاهی، انتخاب کرد! این گویش فارسی که در این سریال مشاهده می‌کنیم هر استاد و محقق زبان و تاریخی را همچون دلقکان خویش به خنده در می‌آورد! کرماشانی، بخشی از زبانی در درخت خانواده بزرگ هندواروپایی هست، در این درخت، زبان فارسی خود یک شاخه و زبان کوردی یک شاخه کاملاً جدا از هم هست، حال بماند که زبان اصیل فارسی

همان زبان دری افغانستان کنونی هست و زبان پارسی کنونی حاکم آمیخته‌ای از زبان کوردی که با زور و قدرت حاکمیت مرکزی به اسم بازمانده زبان پهلویی شناخته می‌شود! و بیش از ۶۰ درصدش زبان عربی‌است. تکلم در کرماشان به زبان کوردی، گویش کلهری هست.

حال جناب سعید آقاخانی بجای این زبان عجیب و غریب پارسی گونه با بکارگیری عده‌ای از سربازان و فرمانده‌های سپاه و عده‌ای بازیگر بی‌سواد و فاشیست فارس، چرا چندتا کرماشانی روستانشین را برای پروژه سریالی خودش انتخاب نمی‌کرد، تا زبان درست کرماشانی را نمایش بدهند؟

حال معرفی کردن لباس کوردی و فرهنگ کهن کوردی که هر سال با کسب جوایز جهانی رو به رو میشود را کنار بگذاریم.

همکاری دقیق و برنامه‌ریزی شده این سیستم، با پخش برنامه‌های (نظر شما، صدای شما، دید شما) در سطح شهر کرماشان و پرسش از تعدادی از افراد اداری و دولتی این شهر دقیق با چنین گویشی در مورد سریال (ن.خ)، نشان از پروژه‌های تجزیه کردن زبان و فرهنگ ملت‌های اصلی این خاک و پراکنده کردن زبان و هم‌گسستن و شیرازه این زبان و فرهنگ هست، پروژه تجزیه کردن زبان کردی با جدایی زبان اصیل و تمام کوردی لکی به نام لکستان و بکارگیری عده‌ای فاقد علم زبان‌شناسی و تاریخ‌شناس از بین مردم گویش لکی، دست‌های مخفی و خطرناک پشت این پرده را نمایان می‌کند. حال این پروژه که با شکست در مورد کرماشان و گویش‌های این کلان‌شهر رو به رو شده بود، با سریال (ن.خ) می‌خواهند به قشر و مردم دور از کوردها و زبان آن‌ها بشناساند!

با نگاه علمی - آکادمیکی، از درجه ارکیولوژیکی و اینتولوژی و انتروپولوژی و ایتمولوژی اعم از بعد ارکیولوژیکی و لینگوستیکی که دو درجه و دوربین دقیق علمی هستند برای مسائل علمی و دقیق برای تعیین و تحقیق در مورد زبان و قدمت یک ملت، این دانشکده‌ها و آکادمی‌های باتوم‌دار و پشت به قدرت گرم، از درجه واقعی به مسائل بنگریم، پی خواهیم برد که زبان کهن و تنها زبان حاکم که قدرت بیان بازماندگی ۵۵۰۰ ساله خودش رو با بحث‌های فیلولوژیکی، مورفولوژیکی، ایتمولوژیکی و علمی زبانی با مدارک قوی و زنده کنونی به واقعیت تبدیل کنند، نه یک سری کتاب در دانشکده‌ها و انباری‌ها و قدرت و زورداری به اسم پارسی رو پاس بداریم که با زور چوب نوشته و در خورد فارسی‌زبان نیز داده شده و می‌شود. چنین پروژه‌هایی که علیه فرهنگ ملت کورده هستند، باید تحریم و بایکوت شوند.

خطای انسانی

بر اساس آموزش نیروهای در راستای تداوم حکومت توتالیتزر جمهوری اسلامی طراحی شده است، این نظام آموزشی در عمل نه تنها علم را به اسلامی و غیراسلامی تقسیم کرده است، بلکه زمینه ترویج خرافات و علم گریزی را نیز در این جامعه فراهم کرده است و همزمان با آن ساختار آموزشی ایران یک ساختار کاملاً ایزوله است که دانش‌آموز و دانشجوها به دلیل عدم آشنایی کافی به زبان‌های خارجی نمی‌توانند با دیگر ساختارهای آموزشی کشورهای دیگر در ارتباط باشند، در واقع ایران به صورت کاملاً مدیریت شده از طرف حاکمیت در حاشیه جامعه جهانی اطلاعات قرار گرفته است، در چنین ساختاری اصولاً آموزش نیروی متخصص نه اصل است و نه امکان آن وجود دارد، و همچنان که محرز است، نظام آموزشی بیشتر در پی آموزش نیروی متعهد است نه متخصص.

لذا وجود چهار بحران کلان، اهمیت تعهد سیاسی بجای تخصص علمی، فساد نهاده‌ها شده، وضعیت جنگی و نظام آموزش ایدئولوژیک شرایطی را ایجاد کرده است که باید گفت در ایران امکان وقوع هر نوع خطایی انسانی وجود دارد و تا تداوم این چهار بحران هم خط پایانی برای خطاهای انسانی نمی‌توان تصور کرد.

در آخر باید افزود که طبعات تداوم این ساختار، آثار کاملاً مخرب و جبران ناپذیری بر بدنه و سیستم کل جامعه انداخته و چهره زیان‌های حاصله سال‌های مدیدی بر رخسار جامعه خودنمایی می‌کند و در بطن اجتماع نیز به وضوح می‌توان شاهد ناهنجاری‌های حاصل از سیستم موجود شد.

در اینجا می‌توان به بحران در تغییر هنجارها اجتماعی اشاره کرد و ملموس‌ترین بحران در این زمینه هم انحطاط هنجارهای اخلاقی است.



و دو دهه تحریم‌های چند جانبه‌ای، وضعیت اقتصادی، مدیریتی، اداری، امنیتی و سیاسی ایران را به شرایط جنگی کامل کشانده است و اصولاً در چنین شرایطی زیر ساخت‌های کلان مانند زیرساخت‌های آموزشی، درمانی، سیستم حمل‌ونقل که قربانی کمبود بودجه و "شرایط حساس" خواهند شد و هم توسعه لازم را پیدا نخواهند کرد و بروز رسانی نمی‌شوند و هم دچار فرسودگی

دو: فساد نهاده‌ها شده مسئله فساد نهاده‌ها شده، در ساختار جمهوری اسلامی موضوعی است که بخشی از عوامل رژیم هم به آن اذعان می‌کنند، اصولاً در وضعیت فساد نهاده‌ها شده، ساختار اداری و مدیریتی آستانه تحملش بر اساس لاپوشانی حداکثری فساد تعیین می‌شود و در چنین شرایطی نظام گزینشی در سطح بسیار خرد هم حساس شده و تنها نیروهایی را

انسانی هم می‌تواند، بخشی از دلایل وقوع چنین حوادث عدیدهای باشد و دلیل اینکه شخصا خطای انسانی را به‌عنوان یک دلیل می‌توانم قبول کنم وجود این بحران‌ها است:

یک: تعهد یا تخصص

در رژیم‌های توتالیتزر اصولاً مسئله تعهد به ماندگاری رژیم نقش اساسی در تعیین کادر و نیروی تخصصی شاغل در بخش‌های

نظر بگیریم باید اذعان کنیم در بررسی مسئله "خطای انسانی" حتماً مسئله جنگ سایبری باید مدنظر قرار گرفته شود، اما باتوجه به اینکه جمهوری اسلامی اصولاً تمامی اتفاقات را به دور از افکار عمومی بررسی می‌کند و بعد از سانسورهای چند لایه‌ای، نتایج آنها را اعلام می‌کند، اگر صرفاً از مسئله جنگ سایبری بحث به میان آید، شاید در قالب توهم توطئه گنجانده شود.

وجود چهار بحران کلان، اهمیت تعهد سیاسی بجای تخصص علمی، فساد نهاده‌ها شده، وضعیت جنگی و نظام آموزش ایدئولوژیک شرایطی را ایجاد کرده است که باید گفت در ایران امکان وقوع هر نوع خطای انسانی وجود دارد و تا تداوم این چهار بحران هم خط پایانی برای خطاهای انسانی نمی‌توان تصور کرد.

خواهند شد. مهم‌ترین نمونه بحران در نصب نرم‌افزار "شاد" برای ایجاد سیستم آموزش آنلاین در دوره اپیدمی کرونا است، این نرم افزار به دلیل ضعف در زیرساخت اینترنت عملاً کاربردی برای دانش‌آموزان مرفه جامعه هم نداشت و ندارد.

چهار: نظام آموزشی ایدئولوژیک ساختار آموزشی جمهوری اسلامی

بکار می‌گیرد که یا خود بخشی از فساد نهاده‌ها باشند و یا از هر لحاظی قابل اعتماد باشند.

سه: وضعیت جنگی

مسئله سیاست صدور انقلاب، جنگ‌های نیابتی، ماجراجویی هسته‌ای، حمایت تمام قد از تروریسم اسلامی توسط جمهوری اسلامی، چهار دهه تحریم آمریکا

مختلف دارد.

در چنین شرایطی باید گفت که حاکمیت نیروهای خود را در بین افرادی انتخاب می‌کند که از لحاظ سیاسی به او متعهد هستند، پس در واقع دامنه نیروی انسانی در جوامع توتالیتزر همچون جمهوری اسلامی یک دامنه محدود بوده و تنها جغرافیای مجذوبین در ولایت را شامل می‌شود.

ولی جنگ سایبری با استناد به ویروس استاکس نت یک واقعیت محرز بین جمهوری اسلامی و کشورهای رقیب آن در منطقه است و باید در حوادثی که تحت عنوان خطای انسانی توجیه می‌شود، جنگ سایبری مدنظر قرار بگیرد. البته اگر شرایط ایران و بحران‌های چند لایه‌ای را به دقت مطالعه کنیم باید اظهار کرد که خطای

رژیم ایران موفق به

کشتن ده‌ها تن از نیروهای خود

در یک مانور دریایی شد



اذعان کرده است. براساس گزارشات غیر رسمی تعداد کشته شدگان این مانور بیشتر از آمار اعلامی از سوی مسئولان رژیم ایران بوده و چندین تن نیز مفقود شده‌اند.

بعد از ظهر یکشنبه ۲۱ اردیبهشت ماه، در حین مانور دریایی نیروهای ارتش رژیم ایران در جزیره جاسک، یکی از ناوچه‌های پشتیبانی رژیم مورد اثابت موشک قرار گرفته که به کشته شدن ده‌ها تن از نیروهای سروکوبگر ارتش رژیم منجر گردید.

در این مانور دریایی، شناور پشتیبانی "کنارک" با ۴۰ خدمه از سوی "ناو جماران" مورد اثابت موشک قرار گرفته است.

روابط عمومی نیروی دریایی ارتش رژیم ایران تاکنون به کشته شدن ۱۹ تن و جراحت ۱۵ تن دیگر

خامنه‌ای و سپاه تروریست

پاسداران

نسبت به حادثه کنارک در

سکوت مطلق هستند

نداده‌اند."علی خامنه‌ای" رهبر رژیم ایران و از حامی اصلی سپاه واکنشی به این حادثه نداشته و حتی پیام تسلیت صادر نکرده است.

در سال ۱۳۹۷ وقتی هواپیمای باری ارتش رژیم در حوالی کرج و در فرودگاه فتح، متعلق به سپاه تروریست پاسداران دچار سانحه شد و ۱۵ نفر کشته شدند، خامنه‌ای بلافاصله پیام تسلیت صادر کرد.

است.با توجه به نزدیکی محل حادثه به "منطقه یک دریایی صاحب‌الزمان" نیروی دریایی سپاه تیروریست پاسداران و همچنین محدوده عملیاتی تیپ موشکی "عاصف" گمانه‌زنی‌هایی درباره شلیک اشتباهی نیروهای سپاه تروریست به این ناوچه ارتش را ایجاد کرده است.

درباره این گمانه‌زنی‌ها تاکنون سپاه و ستاد کل نیروهای مسلح رژیم به صورت رسمی پاسخ

پس از درگیری نیروهای مسلح رژیم ایران با دشمن فرضی در دریای عمان تا کنون مقامات رژیم اسلامی ایران درباره توضیح این حادثه سکوت اختیار کرده‌اند. تا کنون هیچ کدام از مقام‌های نظامی رژیم اسلامی ایران توضیحی درباره این حادثه ارائه نکرده‌اند. تنها نیروی دریایی ارتش رژیم ایران دو بیانیه منتشر نموده و در آن به وقوع حادثه و کشته و مجروحان اشاره کرده

نمایی از پایمال کردن حقوق بشر در کوردستان ایران در طی دو هفته آخر اردیبهشت‌ماه با استناد به آژانس خبرسانی کوردستان، (کردپا)

۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۹ قهرا ناپدید شده و از مکان‌های معمول خود در زندان به مکان‌های نامعلوم منتقل شده‌اند. هر چهار نفر در پی محاکمات به شدت ناعادلانه و با وجود در میان بودن ادعاهای جدی شکنجه که هرگز در مورد آن تحقیق نشده، به اعدام محکوم شده‌اند. عفو بین‌الملل در این بیانیه افزوده است: امتناع مقامات از ارائه اطلاعات به خانواده‌ها در خصوص سرنوشت و محل نگهداری این چهار نفر عملی بی رحمانه و غیرانسانی و مصداق ناپدیدسازی قهری است که طبق قوانین بین المللی جرم محسوب می‌شود.

عفو بین‌الملل در این بیانیه تأکید کرده است: مقامات ایرانی باید بی‌درنگ تحویل درد و رنج بیشتر به خانواده‌های آنان را متوقف کنند. آنها باید بلافاصله محل نگهداری حسین سیلاوی، علی خسرچی، ناصر خفاجیان و هدایت عبدالله پور را اعلام کرده، هرگونه برنامه برای اجرای اعدام آنها را متوقف کنند، و پرونده‌های آنها را مورد بازبینی قرار دهند.

محکوم کردن شهروندان به حبس



اوایل اردیبهشت‌ماه سال جاری، یک شهروند کورد به نام «غفور برهم» فرزند کریم اهل روستای «امیرآباد» از توابع اشنویه جهت اجرای حکم به زندان این شهرستان منتقل شده است.

دیوان عالی کشور حکم یازده سال حبس تعزیری یک معلم اهل بوکان به نام «سید آرام امین‌زاده» را تأیید و این حکم روز سه‌شنبه بیست و سوم اردیبهشت‌ماه به این زندانی عقیدتی در زندان ارومیه ابلاغ شده است.

روز سه‌شنبه سی‌ام اردیبهشت‌ماه، مژگان کاوسی، نویسنده و پژوهشگر کورد یارسانی که به هفتاد و شش‌ماه و پانزده روز حبس محکوم شده بود، براساس تصمیم ۳۶ ماه آن اجرا می‌شود و وی جهت اجرای حکم جلب شده است. یک شهروند کورد به نام «ابرج صوفی محمد» فرزند ابراهیم اهل مهاباد از سوی شعبه دوم دادگاه انقلاب ارومیه به ریاست قاضی «شیخ‌لو» به پانزده سال حبس تعزیری محکوم شد. حکم پنج سال حبس تعزیری یک شهروند کورد به نام «صدیق سیفی» اهل دیواندره در دادگاه تجدیدنظر سنندج تأیید شده است.

تایید حکم زندانیان به



ارسلان خودکام زندانی سیاسی کرد طی دو سال اخیر سه بار به حکمش اعتراض و دیوان عالی کشور با رد تجدیدنظرخواهی وی، حکم اعدامش را تأیید کرده است.

خروج زندانیان سیاسی از کشور



طی روزهای اخیر، عثمان مصطفی‌پور، زندانی سیاسی کرد به دلیل فشارهای اداره اطلاعات پیرانشهر از ایران خارج شد.

این زندانی سیاسی پس از آزادی از زندان به‌طور مداوم به نهادهای امنیتی احضار و مورد بازجویی قرار گرفته است.

هشدار عفو بین‌الملل درباره ناپدیدسازی قهری و خطر اعدام مخفیانه هدایت عبدالله‌پور و سه زندانی عرب

روز سه‌شنبه بیست و سوم اردیبهشت‌ماه، عفو بین‌الملل با انتشار یک بیانیه از مقامات حکومت ایران خواست که بی‌درنگ سرنوشت و محل نگهداری حسین سیلاوی، علی خسرچی و ناصر خفاجیان (خفاجی)، سه زندانی در صف اعدام از اقلیت عرب اهوازی و هدایت عبدالله‌پور، زندانی در صف اعدام از اقلیت کورد، را روشن کنند. عفو بین‌الملل اعلام کرده است: امتناع مقامات از ارائه اطلاعات به خانواده‌های این چهار زندانی به نگرانی‌ها در مورد شکنجه یا اعدام مخفیانه این زندانیان دامن زده است.

حسین سیلاوی، علی خسرچی و ناصر خفاجیان از ۱۲ فروردین ۱۳۹۹ و هدایت عبدالله‌پور از

محمدی ۴۸ ساله اهل شهر دیواندره پس از یکماه بازداشت اطلاعی در دسترس نیست. این شهروند کورد یکماه پیش در شهر میوان توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شده است.

جانباختن و مصدوم شدن کارگران



روز یکشنبه بیست و یکم اردیبهشت‌ماه، یک کارگر کورد به نام «انور چرخ‌انداز» فرزند احمد اهل روستای «دربکه» از توابع پیرانشهر بر اثر حوادث ناشی از کار جان خود را از دست داد.

انتقال زندانی محکوم به اعدام به مکانی نامعلوم



روز شنبه بیستم اردیبهشت‌ماه، هدایت عبدالله‌پور، زندانی سیاسی محکوم به اعدام محبوس در زندان ارومیه به مکان نامعلومی منتقل شد.

انفجار مین



روز پنج‌شنبه بیست و پنجم اردیبهشت‌ماه، یک شهروند کورد به نام «محمد صالحی» ۴۶ ساله اهل روستای «خوری آباد» از توابع بانه بر اثر انفجار مین به شدت زخمی و پای راست وی از ناحیه میچ قطع شده است.

توابع چالدران در کمین نظامیان حکومتی افتادند و سه کولبر کورد به شدت زخمی شدند. در پی شلیک نظامیان حکومتی، «رضا سرشیری»، «مناف حسن‌زاده» از ناحیه زانو و «بهزاد رضانی» از ناحیه کمر زخمی گردیدند. روز جمعه بیست و ششم اردیبهشت‌ماه، یک کاسبکار کورد به نام «آرام مولودی» ۲۵ ساله فرزند عمر ساکن محله «سیدآباد» اشنویه به رودخانه‌ی «گادر» سقوط و جان خود را از دست داد.

این کاسبکار در پی تعقیب و گریز نیروهای سپاه پاسداران دچار این حادثه شده است.

شامگاه شنبه بیست و ششم اردیبهشت‌ماه، نیروهای ارتش ترکیه گروهی از کولبران کورد را در مرز قطور خوی به رگبار بستند که در پی شلیک این نیروها، یک کولبر به نام «بهرام یوسفی» ۳۵ ساله اهل روستای «بلجوک» جان باخته و یک کولبر دیگر به نام «شمس‌الدین عمرپور» به شدت زخمی شده است. روز چهارشنبه سی و یکم اردیبهشت‌ماه، یک کولبر کورد به نام «حضر پیل افکن» ۳۷ ساله اهل روستای «پوش آباد» از توابع اشنویه بر اثر شلیک نیروهای نظامی حکومت ایران جان باخت.

افزایش حکم زندانیان



حکم پنج سال حبس تعزیری یک شهروند کورد به نام «شهرام کاظمیان» در شعبه ۱۰ دادگاه تجدیدنظر ارومیه به شش سال حبس تعزیری افزایش پیدا کرد.

نامعلوم بودن سرنوشت شهروندان



از وضعیت یک شهروند کورد به نام «زانیار نورمحمدی» اهل روستای «نوره» از توابع سنندج اطلاعی در دسترس نمی‌باشد.

از سرنوشت و محل نگهداری یک شهروند کورد به نام «مسعود

نیروهای امنیتی بازداشت شدند. طی روزهای اخیر، سه شهروند دیگر به نام‌های اسعد سور لاجینی فرزند صلاح، ریبوار سید محمدی و خالد سید محمدی اهل پیرانشهر توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شدند. شامگاه جمعه بیست و ششم اردیبهشت‌ماه، یک شهروند کورد به نام «عباس صدیقی» اهل روستای «شلم جاران» از توابع بخش لاجان پیرانشهر از سوی نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شده است.

انتقال شهروندان به زندان



روز شنبه بیست و هفتم اردیبهشت‌ماه، «یاسر امینی‌آذر»، دبیر مدارس مهاباد جهت سپری کردن دوران محکومیت به زندان منتقل شد.

کشته و مجروح شدن کولبران و کاسبکاران



روز سه‌شنبه بیست و سوم اردیبهشت‌ماه، یک کولبر کورد به نام «کامران مولانیا» ۳۲ ساله فرزند اسماعیل اهل روستای «گه‌وه‌لان» در پی شلیک نظامیان حکومت ایران در مرز سردشت جان باخت. روز جمعه نوزدهم اردیبهشت‌ماه، یک کولبر کورد به نام «کیوان کوثری» اهل شهرستان بانه بر اثر سقوط از ارتفاع جان باخت. شامگاه روز جمعه نوزدهم اردیبهشت‌ماه، گروهی از کولبران کورد در مرز «بلسور سفلی» از توابع شهرستان خوی مورد تیراندازی نیروهای نظامی حکومت ایران قرار گرفتند و در پی شلیک این نیروها، یک کولبر به نام «لقمان چهارگوشه» جان باخته و دو کولبر دیگر به نام‌های «منصور چهارگوشه و میثم محمدی» به شدت مجروح شدند.

روز چهارشنبه بیست و چهارم اردیبهشت‌ماه، گروهی از کولبران کورد در نزدیکی دو روستای مرزی «مادلو» و «وکیل» از

بازداشت و انتقال شهروندان به مکانی نامعلوم



شامگاه روز دوشنبه بیست و دوم اردیبهشت‌ماه، نیروهای امنیتی یک نوجوان کورد به نام «سمیع شریفیان» ۱۷ ساله فرزند حسن اهل شهر پسو پیرانشهر را بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل کردند. روز سه‌شنبه شانزدهم اردیبهشت‌ماه، یک شهروند کورد به نام «ادریس گله‌داری» اهل سنندج از سوی نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شده است. روز یکشنبه بیست و یکم اردیبهشت‌ماه، «سعید رشیدی و محمد علی لشکری» از اعضای مکتب قرآن در مهاباد توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شده‌اند.

همچنین طی روزهای ششم و هفتم اردیبهشت‌ماه، هفت شهروند کورد اهل شهرستان بانه به نام‌های «هادی احمدپور فرزند محمود، ادریس کریم‌زاده، خلیل کریمی فرزند صالح، کریم کریمی فرزند صالح، بارزان کریمی فرزند صالح، فرهاد احمدی‌پور فرزند عبدالله و بیستون احمدی‌پور فرزند عبدالله» از سوی نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شدند. طی روزهای پانزدهم و شانزدهم اردیبهشت‌ماه، نیروهای وزارت اطلاعات بازداشت قله‌ای شهروندان در پیرانشهر را آغاز و در همین رابطه هشت شهروند کورد به نام‌های «احمد محمودحسن»، «ابوبکر محمودحسن» فرزند جعفر، «علی قادری» فرزند رسول، «واحد قادری» فرزند رسول، «محمد قادری» فرزند عزیز، «حسام‌الدین پیرانی» فرزند ظاهر، «امیر قادری» فرزند خدر و «سلام خری آغلان» بازداشت شده‌اند. همچنین روز دوشنبه پانزدهم اردیبهشت‌ماه، یک شهروند دیگر به نام «واحد قادری» فرزند رسول توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده است.

روز دوشنبه پانزدهم اردیبهشت‌ماه، دو شهروند کورد به نام‌های «احمد محمودحسن» و «ابوبکر محمودحسن» اهل شهرستان پیرانشهر توسط